

## ترجمه‌ی قطعنامه‌ی مجلس نمایندگان ایالات متحده (۷۵۴)

۱۹ نوامبر ۲۰۱۴

از آنجا که ایران عضو سازمان ملل متحد و از جمله امضاکنندگان بدون قید و شرط اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر است؛

از آنجا که مقامات حکومت ایران در نقض این تعهد و دیگر تعهدات بین‌المللی خود همچنان مرتکب نقض فاحش حقوق اولیه و انسانی مردم ایرانند؛

از آنجا که زنان ایرانی به‌نحو فزاینده‌ای در معرض حملات فجیع اسیدپاشی‌اند که یا حکومت ایران آن را نادیده می‌گیرد یا با حمایت مالی خود از طریق بسیج و دیگر گروه‌های فشار صورت می‌دهد؛

از آنجا که مجلس ایران به‌تازگی قانونی به تصویب رسانده است که حامی شهروندانی است که در اعمال قانون سختگیرانه‌ی حجاب اسلامی و سایر اعمالی که در شریعت حدود آن معین شده، دست داشته باشند، و بدین ترتیب، موجب تشویق بسیج و دیگر گروه‌های فشار شده است؛

از آنجا که حکومت ایران، بنا بر گزارش سال ۲۰۱۳ وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده درباره‌ی حقوق بشر، در «فرایند انتخابات تقلب می‌کند» و بدین ترتیب «حقوق شهروندان را برای تغییر مسالمت‌آمیز دولت از طریق انتخابات آزاد محدود می‌سازد»؛

از آنجا که حکومت ایران، به دنبال تخلفاتی که به انتخاب محمود احمدی نژاد انجامید، مخالفت سیاسی مسالمت آمیز بخش‌های گوناگون جامعه‌ی مدنی را در طی جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ ظالمانه سرکوب کرد تا با منفعت جویی، مهار قدرت غیردموکراتیک خود را همچنان در دست داشته باشد؛

از آنجا که حکومت ایران رهبران اصلی جنبش سبز، میرحسین موسوی و مهدی کروبی را از فوریه‌ی سال ۲۰۱۱ در حصر خانگی قرار داده است؛

از آنجا که وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده پیوسته به این نتیجه رسیده است که مقامات ایران «از طریق تهدید و ارباب و تعیین شروط (بی دلیل/دل‌بخواه) و بازداشت رهبران و اعضای گروه، آزادی نشست و برخاست [اعضای] تشکیلات گوناگون را محدود کرده است؛

از آنجا که هر هفته در تارنمای [وب سایت] سفارت مجازی تهران [متعلق به] وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده، موارد گوناگون نقض حقوق بشر و تجاوز به آن درج می‌شود؛

از آنجا که حکومت ایران همچنان به محدود کردن آزادی بیان و تجمع مسالمت آمیز به ویژه محدود کردن آزادی روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر ادامه می‌دهد؛

از آنجا که گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد برای رسیدگی به وضع حقوق بشر در ایران در گزارش مورخ اوت [آگست] سال ۲۰۱۴ گزارش داده است که قوانین و خط مشی سیاسی حکومت ایران «همچنان محدودیت‌های زیاد و بیش از حدی در مورد حق آزادی بیان و دسترس داشتن به اطلاعات ایجاد می‌کند» از جمله «محدودیت‌های شدید در مورد محتوای مطالب آنلاین و ارباب و تعقیب قضایی کاربران اینترنت و محدودیت دسترس داشتن به اینترنت از طریق فیلتر گذاری»؛

از آنجا که حکومت ایران مانع می‌شود که فعالان آزادی دینی و حقوق بشر بتوانند آزادانه نظر خود را ابراز و جامعه‌ی مدنی را بسیج کنند؛

از آنجا که گزارشگر ویژه به این نتیجه رسیده است که حکومت ایران همچنان مجازات اعدام را برای افرادی که جرمشان خفیف‌تر از حد نصاب قوانین حقوق بشر و «جدی‌ترین جنایات» است، و نیز برای زندانیان سیاسی و مُجرمانِ نوجوانِ اعمال می‌کند، از جمله برای ۸ نفر در سال ۲۰۱۴ که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند؛

از آنجا که زنان ایران مورد تبعیضات قانونی و اجتماعی و خشونت خانگی که در قوانین مدنی ممنوعیت ندارد، قرار دارند؛

از آنجا که مقامات ایران در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۴ ریحانه‌ی جباری را اعدام کردند - زن ایرانی محکومی که برای دفاع از خود مردی را که در حال تجاوز به او بود، کشت - در صورتی که مراحل قانونی طی نشده بود و گزارش شده که اعترافات اجباری در آن محکومیت دخیل بوده است؛

از آنجا که وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده بیانیه‌ای در محکومیت اعدام خانم جباری صادر کرده و از ایران خواسته است که ضمانت محاکمه‌ی عادلانه‌ی مردم را که تحت قوانین آن کشور و تعهدات بین‌المللی اش فراهم شده است، مراعات نماید؛

از آنجا که «کمیسیون ایالات متحده برای آزادی دینی در جهان» در گزارش سال ۲۰۱۴ خود ذکر کرده است که حکومت ایران «همچنان عمده‌تاً یا کاملاً بر اساس دین متهمان، به‌طور

منظم به سلبِ فاحش و مداوم آزادیِ دینی از طریق بازداشتِ درازمدت و شکنجه و اعدام ادامه می‌دهد»؛

از آنجا که حکومت ایران اقلیت‌های دینی مانند بهائیان، مسیحیان، صوفیان، اهل تسنن و شیعیانِ دگراندیش (چون آیت‌الله زندانی، حسین کاظمینی بروجردی) را از طریق آزار و بازداشت و حبس مورد ظلم قرار می‌دهد و بازداشت شدگان به‌طور عادی مورد ضرب و جرح قرار گرفته و شکنجه شده و به قتل رسیده‌اند؛

از آنجا که از سال ۱۹۹۹ وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده بارها ایران را، به‌موجب «قانون بین‌المللی آزادی دینی» مصوب سال ۱۹۹۸ به علت تجاوز به آزادی دین در فهرست «کشورهای موجب نگرانی» قرار داده است (مورد اخیر در ۲۸ جولای ۲۰۱۴)؛

از آنجا که حکومت ایران دیر زمانی است که با شدت و حدتِ ویژه‌ی جامعه‌ی بهائی، بزرگترین اقلیتِ غیرمسلمانِ ایران را - که حداقل ۳۰۰ هزار پیرو دارد - مورد ظلم و آزار قرار داده و ملحد و کافر پنداشته و به اتهام ارتداد سرکوب کرده است؛

از آنجا که بر طبق گزارش «کمیسیون ایالات متحده برای آزادی دینی در جهان» مقامات ایران از سال ۱۹۷۹ بیش از ۲۰۰ رهبر بهائی را کشته یا اعدام کرده‌اند؛

از آنجا که شهروندانِ عادیِ ایرانی که از آیین بهائی پیروی می‌کنند بدون تناسب تعدادشان با سایر ایرانیان، مورد بازجویی قرار می‌گیرند و به بهانه‌ی امنیت ملی بازداشت می‌شوند؛

از آنجا که مقاماتِ عالیِ حکومتی و نظامی و امنیتی در ایران مسئولیتِ صدورِ فرمان و ارتکابِ مواردِ نقضِ فاحشِ حقوقِ بشر را - که در بسیاری موارد نمودار سیاست ملی رژیم ایران است - بر عهده دارند؛

از آنجا که وزارت خزانهداری ایالات متحده، مطابق بخش ۴۱۳ «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر در سوریه» مصوب سال ۲۰۱۲ (۲۲ C.S.U ۸۷۵۳) مجوزی در سپتامبر سال ۲۰۱۳ صادر کرده است که بر اساس آن صدور خدمات و انتقالِ وجوه برای فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر و طرح‌های ایجادِ مردم‌سالاری مُجاز است، و طرح‌های مذکور فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی ایالات متحده را برای افزایشِ دسترسِ داشتنِ ایرانیان به اطلاعات و آزادی بیان تسهیل می‌کند؛

از آنجا که از سال ۲۰۱۰ وزارت خزانهداری ایالات متحده، با مشورت با وزارت امور خارجه، ۱۹ نفر از مقامات ایران و ۱۸ شخص حقوقی را به سبب مداخله یا مشارکت و تبانی در نقض فاحش حقوق بشر یا محدود کردن آزادی بیان و تجمع تحریم کرده است؛

از آنجا که مطابق فرمانِ اجرایی (دستور العمل؟) شماره‌ی ۱۳۶۲۸، آخرین تحریم در برابر (استاندار/فرماندار) کل طهران، مرتضی تدمم [کذا فی الاصل؛ احتمالاً تمدن؟] در ۲۳ می سال ۲۰۱۴ به سبب مشارکت او در سانسور و دیگر فعالیت‌هایی که آزادی بیان و تجمع را محدود می‌سازد، اعمال شده است؛

از آنجا که ایالات متحده در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در کوشش برای تجدیدِ مأموریت گزارشگر ویژه‌ی ایران برای افشای موارد نقض حقوق بشر پیشگام بوده است؛

از آنجا که حائز اهمیت است که رئیس جمهور ایالات متحده پیوسته و با جدیت از اختیارات قانونی اعطا شده از طریق «قانون تحریم‌های جامع، مسئولیت‌پذیری و کاهش سرمایه داری در ایران» مصوب سال ۲۰۱۰ و «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر در سوریه» مصوب سال ۲۰۱۲، استفاده کند و تحریم‌هایی بر مقامات حکومت ایران و سایر افرادی که مسئولیت نقض حقوق بشر و اعمال سانسور یا مداخله در استفاده از کالاهایی که هدف آن مردم ایران بوده‌اند، اعمال کند؛

بر اساس موارد فوق چنین مقرر شده است که مجلس نمایندگان (۱) از دولت ایران می‌خواهد که به تمام تعهدات بین‌المللی و داخلی خود در مورد حقوق بشر و آزادی، مدنی از جمله آزادی تجمع، بیان و مطبوعات عمل کند؛ (۲) مراتب تأسف خود را از افزایش چشمگیر اعدام شهروندان ایران به دستور مقامات از زمان انتخاب رئیس جمهور، حسن روحانی در ماه جون سال ۲۰۱۳ ابراز می‌دارد؛ (۳) به‌ویژه اعدام ظالمانه‌ی ریحانه جباری را - زن ایرانی محکومی که برای دفاع از خود مردی را که در حال تجاوز به او بود، کشت - محکوم می‌کند؛ (۴) مراتب تأسف خود را از سوء رفتار حکومت ایران با اقلیت‌های دینی از طریق محروم کردن آنان از حق حیات و آزادی و مالکیت، ابراز می‌کند؛ (۵) حکومت ایران را به‌ویژه به جهت آزار سنگ‌دلانه و بی‌وقفه‌ی اقلیت بهائی محکوم می‌کند؛

(۶) از حکومت ایران می‌خواهد که زندانیان سیاسی و زندانیان عقیدتی را آزاد کند؛ (۷) خاطر نشان می‌سازد که دولت [ایالات متحده] از ۳۰ می سال ۲۰۱۳، تنها یک فرد ایرانی را برای ارتکاب موارد نقض فاحش حقوق بشر به موجب «قانون تحریم‌های جامع، مسئولیت‌پذیری و کاهش سرمایه داری در ایران» نام برده است؛

(۸) مُصِرّاً توصیه می‌کند که رئیس جمهور استفاده از تمامی اختیاراتی را که دارد افزایش دهد، از جمله «قانون تحریم‌های جامع، مسئولیت‌پذیری و کاهش سرمایه داری در ایران» مصوب سال ۲۰۱۰، و مقامات حکومت ایران و سایر افرادی را که مستقیماً مسئول موارد نقض

فاحش حقوق بشر بوده‌اند تحریم کند، از جمله با مسدود کردنِ داراییِ آنان و ممانعت از ورودشان به ایالات متحده؛

(۹) به دولت ایالات متحده مُصِراً توصیه می‌کند که صلاح‌دیدِ «کمیسیونِ ایالات متحده برای آزادی دینی در جهان» را که در زیر درج شده است تصویب کند و به موقع اجرا گذارد، بدین قرار:

(الف) پیگیری کند که تجاوز به آزادی دینی یا عقیدتی و حقوق انسانیِ مربوط به آن، همچنان بخشی از مذاکراتِ چندجانبه یا دوجانبه با حکومت ایران باشد، و با متحدان اروپا و غیره همکاریِ نزدیک داشته باشد و با مجموعه‌ای از حمایت و دیپلماسی و تحریم‌های هدفمند حکومت آن کشور را تحت فشار بگذارد؛

(ب) علناً و مکرراً و در بالاترین سطوح به مواردِ نقضِ فاحش حقوق بشر اعتراض کند و برای رهاییِ همه‌ی زندانیان عقیدتی تأکید کند و نیاز به مسئول دانستنِ مقامات [ ایران ] در موارد خاص را مورد تأکید قرار دهد؛

(ج) همچنان از ایران بخواهد که با گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد برای وضع حقوق بشر در ایران و «گزارشگر ویژه برای آزادی دین و عقیده» همکاری کند و همچنان از قطعنامه‌ی سالانه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر محکومیت موارد نقض فاحش حقوق بشر، از جمله آزادی دین یا عقیده در ایران حمایت کند و مقاماتی را که مرتکب چنین تجاوزی می‌شوند، مسئول بداند؛

(۱۰) فرایند غیردموکراتیک انتخابات را، که مانع می‌شود ایرانیان بتوانند آزادانه حکومت خود را انتخاب کنند، محکوم می‌کند؛

(۱۱) با مردم ایران که خواهان فرصت برای انتخاب آزادانه‌ی حکومت خویشند، همراهی می‌کند.